

## اندیشه‌های عارفانه در شعر قیصر امین‌پور

سودابه سلیمی خراشاد<sup>۱</sup>

دکتر احمد رضا کیخای فرزانه<sup>۲\*</sup>

### چکیده

قیصر امین‌پور از شاعران مطرح انقلاب اسلامی و دفاع مقدس است. از ویژگی‌های شعر قیصر امین‌پور وجود اندیشه‌های عارفانه در آثارش است. در مطالعه اشعار شاعران معاصر در نگاه اول چنین به نظر می‌رسد که شاعران معاصر در اشعار خویش بیشتر به بیان مسائل سیاسی و اجتماعی پرداخته‌اند و مضامین عرفانی در اشعار شاعران معاصر جایگاهی ندارد. لذا به منظور بررسی جایگاه عرفان و تبیین اندیشه‌های عرفانی در آثار قیصر امین‌پور، این تحقیق ضروری به نظر می‌رسد. این جستار به روش کتابخانه‌ای و محدوده پژوهش پیرامون کتاب‌های «دستور زبان عشق»، «گلهای همه آفتابگردانند»، «آینه‌های ناگهانی» و «تنفس صبح»، صورت پذیرفته است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که قیصر امین‌پور، از فرهنگ عرفانی در اشعارش بهره برده است و اندیشه‌های عرفانی وی درخور توجه است. مبانی اساسی عرفان چون عشق، تقابل عقل و عشق، خودشناسی، ترک تعلقات نفسانی و دنیوی و تجلی در اشعارش موج می‌زنند.

**کلمات کلیدی:** مضامین عرفانی، قیصر امین‌پور، شعر معاصر.

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران.

sudabeh.salimi@yahoo.com

۲. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران. (تویینده مسئول)  
akeikha.farzaneh@iauzah.ac.ir

تاریخ پذیرش

96/12/9

تاریخ دریافت

96/10/5

## 1- مقدمه

سنایی شاعر نیمة دوم قرن پنجم اولین شاعری است که عرفان را رسماً وارد شعر فارسی نمود و پس از وی شعر عرفانی با حضور عارفانی شاعر و شاعرانی عارف چون عطار، مولوی و حافظ رو به کمال نهاده است. از آنجاکه عرفان با ادبیات پیوندی دیرینه و ناگسته داشته است، شاعران برای بیان مقاصد دینی و مذهبی خویش از آموزه‌ها و مضامین عرفانی در شعر خویش بهره برده‌اند. شعر عرفانی به بیان حال و عوالم خاص عارفان و شرح باورها و ارزش‌های آنان می‌پردازد. یکی از تعاریفی که از عرفان بیان شده است: «عرفان نوعی روش زندگی و مکتبی است که محبت خدا و شناخت حقیقت، ارکان اصلی آن را تشکیل می‌دهد.» (کاشانی‌ها، 1382: 20)

در تعریفی علمی و فنی از عرفان آمده است: «عرفان عبارت است از علم به حضرت حق سبحانه از حیث اسماء و صفات و مظاهرش، علم به مبدأ و معاد و به حقایق عالم و چگونگی بازگشت آنها به حقیقت واحدی که همان ذات احادی حق تعالی است؛ معرفت طریقت سلوک و مجاهده برای رها ساختن نفس از تنگتاهای قید و بند جزئیت و پیوستان آن به مبدأ خویش و اتصافش به نعمت کلیت.» (قیصری، 1416: 10)

کسی که به مقام عرفان دست یابد عارف گویند. عرفان به دو بخش عملی و نظری تقسیم می‌شود که هر دو با شناخت نفس ارتباط تنگاتنگی دارند. در عرفان عملی روابط انسان با خودش و جهان و با خدا مطرح می‌شود، این بخش از عرفان علم سیر و سلوک نامیده شده است. عرفان نظری به تفسیر هستی می‌پردازد (آریا، 1375: 97-98).

این پژوهش به بررسی اندیشه‌های عرفانی در شعر قیصر امین پور پرداخته است. تلاش شده است هر یک از اصطلاح‌های عرفانی با توجه به مضمون و محتوای بیتها استخراج شود و بدین روش نگرش و اندیشه‌های عرفانی قیصر امین پور در باب هر کدام از مصاديق و اصطلاح‌های عرفانی مشخص و مدون شده است.

## 2- پرسش‌های تحقیق

1- آیا قیصر امین پور از مضامین و آموزه‌های عرفانی در شعرش بهره جسته است؟

2- بهره مندی وی از کدام مضامین عرفانی بیشتر است؟

3- بازتاب مضامین عرفانی در شعر او بیانگر چیست؟

### 3-1- هدف تحقیق و ضرورت آن

بررسی رویکرد و جایگاه اندیشه‌های عرفانی در شعر قیصر امین‌پور، عنوان یکی از شاعران شاخص معاصر در دفاع مقدس هدف تحقیق است. از آنجا که قیصر امین‌پور شاعری از نسل انقلاب و دفاع مقدس است در نگاه اول چنین به نظر می‌رسد که محتوای اشعارش بیشتر مسایل سیاسی و اجتماعی است و مضامین و اندیشه‌های عرفانی در شعرش نمود ندارد، لذا نگارش این تحقیق به منظور آگاهی از رویکرد و بهره‌مندی قیصر امین‌پور از مضامین عرفانی و بررسی اندیشه‌های عرفانی قیصر امین‌پور، ضروری به نظر می‌رسد.

### 4-1- روش تحقیق

در این جستار ابتدا به روش کتابخانه‌ای با گردآوری آثار و مجموعه اشعار قیصر امین‌پور شامل «تنفس صبح»، «دستور زبان عشق»، «آینه‌های ناگهانی»، «گلهای همه آفتابگردانند»، به روش فیش‌برداری اشعار با درونمایه عرفان و مضامین عرفانی استخراج و دسته بندی شده است و تحلیلی مختصر از نگرش و کاربرد اصطلاح مورد نظر در شعرش بیان شده است.

### 5-1- پیشینه تحقیق

درباره عرفان و تصوف در متون ادبی کهن و یا کلاسیک تحقیقات مدون و کاملی صورت گرفته است. در خصوص اشعار شاعران معاصر و اندیشه‌های عرفانی در اشعارشان کمتر تحقیق شده است. درباره قیصر امین‌پور که از شاعران شاخص معاصر و دفاع مقدس به شمار می‌رود، پژوهشی با عنوان «پیوند حماسه و عرفان در اشعار قیصر امین‌پور» به قلم مریم نظر چوب مسجدی در نشریه ادبیات پایداری (۱۳۹۲) به رشتۀ تحریر آمده است که نگارنده به بررسی اشعار قیصر امین‌پور، با درونمایه حماسی که روکشی نازک از معانی لطیف عرفانی نیز بر آن افزوده است، پرداخته است.

همچنین پژوهشی دیگر با عنوان «بررسی مضامین عرفانی در شعر دفاع مقدس»، توسط عنایت‌الله شریف‌پور و نرگس موحدی در نشریه ادبیات پایداری (۱۳۸۸) به چاپ رسیده است که به طور اجمالی به بررسی مضامین چندین شاعر دفاع مقدس پرداخته است. پژوهشی نیز با عنوان «بررسی جلوه‌های اندیشه در شعر قیصر امین‌پور» به قلم سیده مریم ابوالقاسمی و شهلا علیه‌پور در مجله تاریخ ادبیات (۱۳۸۹) به بررسی ویژگی‌های

## 126 فصل نامه علمی پژوهشی «عرفانیات در ادب فارسی»

محتوایی شعر امین‌پور پرداخته شده است که در بحثی نیز به اشعار با محتوای عرفانی از قبیل کاربرد اصطلاح‌هایی چون هبوط، هجران و دوری از معشوق ازلی، گرایش فطری انسان به حق، بی اعتباری دنیا در شعر قیصر امین‌پور پرداخته‌اند. اما پژوهش پیش رو تنها به بررسی نگرش و اندیشه‌های عرفانی و جهان‌بینی عرفانی قیصر امین‌پور که برگرفته از عرفان کهن است، در محدوده بیشتر آثار قیصر امین‌پور پرداخته است.

### 2- مضامین و اصطلاح‌های عرفانی در شعر قیصر امین‌پور

قیصر امین‌پور در سال 1338 در گتوند، روستایی از توابع دزفول زاده شد. تحصیلات ابتدایی را در همان رosta و تحصیلات دبیرستانی را در دزفول به پایان رساند. وی عنوان یکی از معروف‌ترین و موفق‌ترین شاعران انقلاب و دفاع مقدس به شمار می‌آید. از آثار قیصر امین‌پور می‌توان به تنفس صبح، آینه‌های ناگهانی، دستور زبان عشق، گلهای همه آفتاب‌گردانند، گزینه اشعار، به قول پرستو، بی‌بال‌پریدن، مثل چشم، مثل رود و سنت و نوآوری در شعر معاصر، اشاره کرد.

قیصر امین‌پور، شاعری آشنا به مسایل اجتماعی و فرهنگی روزگار خویش است و در بیان نازک خیالی‌های شاعرانه‌اش موضوعات اجتماعی از برجستگی و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. یکی از ویژگی‌های بارز در شعر قیصر امین‌پور نگرش عارفانه وی به جهان پیرامونش است که سبب شده است مضامین عرفانی چون عشق، وحدت، شناخت خویش، رهایی از خود و تعلقات نفسانی در اشعارش بازتابی گسترده داشته باشد. در ذیل نگارنده پس از بررسی اشعار شاعر معاصر، شواهدی از اشعار شاعر که انعکاسی از عرفان و اندیشه عرفانی داشته است، استخراج و ارائه نموده است.

### 2-1- عشق

عشق از مسایل مهم و اساسی در بینش عرفانی است، چنانکه بدون در نظر گرفتن آن عرفان قابل فهم نیست. مرحوم دکتر غنی، درباره عشق چنین نوشته‌اند: «ماحصل عقيدة عارف در موضوع عشق، این است که عشق غریزه الهی و الهام آسمانی است که به مدد آن، انسان می‌تواند خود را بشناسد و به سرنوشت خویش واقف شود». (رجایی بخارایی،

(592:1364)

## اندیشه‌های عارفانه در شعر قیصر امین‌پور (137-123:127)

ملاصدرا حکیم و فیلسوف بزرگ اسلامی عشق و محبت را مترادف می‌داند و آن را ابتهاج به شیء موافق تعریف می‌کند اعم از این که عقلی باشد یا حسی، حقیقی باشد یا ظنی. (شیرازی، 1392:169) او معتقد است که در همه موجودات عشق و شوقی نسبت به کمال وجود دارد و معشوق و محبوب حقیقی ذات حق تعالی است (همان: 169) در شعر شاعران معاصر، هم عشق مجازی و جسمانی و هم عشق پاک عذری و هم عشق عرفانی و الهی و ملایمات و ناملایمات آن فراوان و بازیبایی در اشعارشان بازتاب داشته است. در شعر قیصر امین پور نیز بازتاب عشق که اصل و اساس عرفان بر آن استوار است، بسیار زیاد است که با توجه به محتوای ابیات می‌توان از آن به عشق الهی و معنوی تعییر کرد. با توجه به شواهد استخراج شده از اشعار قیصر امین‌پور، می‌توان گفت که وی در بیان اندیشه‌های عرفانی خویش از پشتونه گفتاری و نوشتاری بزرگانی چون مولانا و حافظ سیراب شده است و چون حافظ که می‌فرماید:

از صدای سخن عشق ندیدم خوشر  
یادگاری که درین گنبد دوار بماند

(حافظ، 1392:240)

قیصر امین پور نیز، با تلمیحی برگرفته از حافظ می‌گوید:

جز صدای سخن عشق صدایی نشنیدم  
که دراین همه‌ممه گنبد دوار بماند

(امین پور، 1387:87).

همچنین آن‌گونه که مولانا در شرح و بیان عشق باز می‌ماند و در باب عشق می‌گوید:

هر چه گوییم عشق را شرح و بیان  
چون به عشق آیم خجل مانم از آن

(مثنوی، دفتر اول، 1392:91)

قیصر امین پور نیز عشق را مسئله‌ای مجھول و تفسیرش را امری محال می‌داند و بسیار لطیف و زیبا می‌گوید:

عشق است، عشق، مسئله مجھول  
گفتیم نام مشکل بی حل را

(امین پور، 1363:126).

ای همچو شعر حافظ و تفسیر مثنوی  
شرح تو غیر ممکن و تفسیر تو محال

عنقای بی‌نشانی و سیمرغ تو کوه قاف  
تفسیر رمز و راز اساطیر تو محال

(امین پور، 1387:119)

## 128 فصل نامه علمی پژوهشی «عرفانیات در ادب فارسی»

قیصر امین پور، ناملایمات عشق را این چنین توصیف می‌کند و می‌گوید:

شیوه چنگیزی است مکتب والای عشق  
عشق به وقت ورود کرد تعارف به درد  
وز همه برخاست آه در جلو پای عشق  
(امین پور، 1363:127)

### 2-2- تقابل عقل و عشق

یکی از شایع‌ترین مضامین و موضوعات عرفانی که در ادبیات عرفانی نمودی گسترده داشته است، موضوع تقابل عقل و عشق است. در آثار صوفیه و عرفای بیشتر تاکید بر عشق است. نجم‌الدین رازی در این باره می‌گوید: «و میان محبت و عقل، منازعه و مخالفت است، هرگز با یکدیگر نسازند، به هر منزل که محبت رخت اندازد، عقل خانه پردازد.» (نجم‌الدین رازی، 1383:59)

در مناظره بین عقل و عشق همیشه عشق پیروز است و عقل را شکست می‌دهد. در شعر قیصر امین پور نیز به مسئله تقابل عقل و عشق اشاره می‌شود و چون عارف نامدار که پای استدلایان را چوبین می‌داند، آشتی و همزادی بین عقل و عشق نمی‌داند و این تقابل را بسیار لطیف و زبای این‌گونه بیان می‌کند:

خون گلوبی عاشقان، آب وضوی عاشقان  
زانکه به کوی عاشقان عقل گذر نمی‌کند  
(امین پور، 1363:90)

در رباعی بسیار زبای خطاب به عقل می‌گوید:

ای عقل که وامانده صدها رازی  
تا چند به چون و چند می‌پردازی  
تو مرد نه ای، هنوز در آغازی  
باران سفر عشق به پایان بردند  
(امین پور، 1374:64)

مولانا در تقابل عقل و عشق می‌فرماید:

پای استدلایان چوبین بود  
پای چوبین سخت بی‌تمکین بود  
(مثنوی، دفتر اول، 1392:649)

عقل در شرحش چو خر در گل بماند  
شرح عشق و عاشقی هم عشق گفت  
(همان: 92)

قیصر امین پور نیز عقل را کوتاه نظر می‌شمرد:

## اندیشه‌های عارفانه در شعر قیصر امین‌پور (137-123:129)

آن سان که تو بی هیچ کس آگه به تو نیست راهی ز فراز عقل کوته به تو نیست  
(امین پور، 1374:53)

### 2-3- معرفت نفس

خودشناسی مقدمهٔ خداشناسی است. صوفیه هم می‌گویند: «من عرف ربِه فقد عرف ربِه» یعنی شناخت خود راهی است که مودّی به شناخت حق می‌شود (غنی، 2536:16).  
غزالی نیز در این باره می‌گوید: «آدمی از ذات خویش هستی ذات حق - سبحانه و تعالی - بشناسد و از صفات خویش صفات حق تعالی بشناسد و از تصرف در مملکت خویش - که آن تن و اعضای وی است - تصرف حق در جمله عالم بشناسد.» (غزالی، 1387:47)  
ابو سعید ابوالخیر می‌گوید: «حجاب میان بند و خدای، آسمان و زمین نیست، عرش و کرسی نیست، پنداشت و منی تو حجاب است، از میان برگیر به خدای رسیدی.» (محمد بن منور، 1390:287)

قیصر امین پور با شیوه‌ای این مفهوم و تفکر صوفیه را بیان می‌کند و در بند خویش بودن را منافات با عشق حقیقی، می‌داند و می‌گوید:  
در بند خویش بودن معنای عشق نیست چونان که زنده بودن، معنای زندگی  
(امین پور، 1388:47)

و نیز در باب شناخت خویش می‌گوید:  
سال‌ها دویده‌ام از پی خودم، ولی تا به خود رسیده‌ام، دیده‌ام که دیگرم  
(همان: 39)

و راه رسیدن به وصال معشوق ابدی را از خود گذشتن می‌داند:  
ساحل بهانه‌ای است، رفتن رسیدن است موجیم و وصل ما از خود بریدن است  
تا شعله در سریم پروانه اخگریم شمعیم و اشک ما، در خود چکیدن است  
(امین پور، 1388:151)

خطاب به معشوق ازلی و ابدی خویش چنین می‌گوید:  
ای عشق به شوق تو گذر می‌کنم از خویش تو قاف قرار من و من عین عبورم  
(امین پور، 1387:122)

#### 4-2-الست

الست به معنی «آیا من نیستم» (عرفان/172) مربوط است به اقرار ذریات و فرزندان آدم به توحید و یگانگی پروردگار و گواهی دادن آنها بر این توحید (شرح اصطلاحات تصوف، ج 1، ذیل الست) اما برداشت صوفیان برداشت ذوقی و رمزی است و آن پیوند عشق و دوستی بستن حق با بندگان از ازل است. در حالی که گروهی از بندگان به علت نداشتن عزمی استوار آن عهد را فراموش کردند و به غیر حق مشغول شدند و گروهی دیگر که سالکان و عارفان و انبیای الهی بودند این عهد را به یاد داشتند و هماره از ذوق شراب الست سر مست بودند.

قیصر امین پور نیز عهد الست و بر سر پیمان بودن را یادآور می‌شود:

مگو کهنه شد رسم عهد الست      بیاید تجدید بیعت کنیم

(امین پور، 1388:66)

از دیدگاه قیصر امین پور بلای شهادت از همان روز الست با گفتن «قالوا بلی» بر انسان وارد شده است:

دلا ز عهد الستی به جان خریده تو گویی      قبیله تو به «قالوا بلی» بلای شهادت!  
(امین پور، 1363:102)

خطاب به معشوق حقيقی از عهد الست یاد می‌کند :

من از عهد آدم تو را دوست دارم      از آغاز عالم تو را دوست دارم  
(امین پور، 1387:79).

#### 2-5-ترک تعلقات مادی و نفسانی

دکتر سجادی به نقل از نفحات الانس جامی چنین آورده است: «تجريد به معنی خالی شدن قلب و سر سالک از ماسوی الله است. باید آنچه موجب دوری بنده از حق است، از خود دور کند.» (سجادی، 1386:221).

قیصر امین پور نیز این مضمون عرفانی را چون عارفان وارسته، حافظ و مولانا که ترک تعلقات مادی و دنیوی را شرط رسیدن به معبد حقيقی می‌دانند، در شعرش به کار برده است و شرط رسیدن به معشوق را ترک تعلقات دنیوی دانسته است:

لباس تنگ تعلق هزار پاره کن ای دل      به قامت تو بپوشند تا قبای شهادت  
(قیصر امین پور، 1363:102)

## اندیشه‌های عارفانه در شعر قیصر امین‌پور (131(123-137)

کار خداست کار ما، دامن غیر کن رها      کار خدای کرده را دست بشر نمی کند  
(همان: 90)

### 2-6- دل

دل از نظر عارف دارای جایگاه ویژه‌ای است. محل تجلی انوار الهی و اسرار است. صوفیان گویند دل را دو معنی است: «یکی گوشت صنوبری شکل که در طرف چپ سینه واقع است که آن را بهایم و اموات نیز دارند. دوم لطیفه‌ای ربانی و روحانی که تعلقش به دل جسمانی، چون تعلق اعراضی است به اجسام، و صفت به موصوف و آن انسان است و مراد از کلمه قلب در قرآن کریم و سنت رسول اکرم، همین دل است.» (شرح اصطلاحات تصوف، ج 5، ذیل دل).

قیصر امین پور نیز دل را صندوقچه راز خدا می‌داند:

تنها به خدا دل خوشی ما به دل ماست      صندوقچه راز خدا را نفوشید  
در دست خدا آینه‌ای جز دل ما نیست      آینه شمایید، شما را نفوشید  
(قیصر امین پور، 67:1388)

قیصر امین پور، در رباعی‌ای بسیار شیوا و لطیف تنها راه رسیدن به وصال حق و معبد ابدی را، «راه دل» می‌داند:

آن سان که تویی هیچکس آگه به تو نیست      راهی ز فراز عقل کوته به تو نیست  
هر چند تو را هزار ره باشد، لیک      جز راه دل از هیچ رهی ره به تو نیست  
(امین پور، 53:1374)

### 2-7- وحدت وجود

یکی از بحث برانگیزترین مضماین عرفانی بحث وحدت وجود است، از نظر عارف تنها چیزی که اصالت دارد خداست که از آن به وحدت وجود تعبیر می‌شود.» وحدت وجود یعنی اینکه جهان از جمله جمادات، نباتات، حیوانات، معادن و فلکیات همه یک وجودند؛ اما در مرتبت فوق و اقوی و اشد عالم، وجود خداوند قرار دارد و بقیه موجودات بر حسب مراتب قرب و بعد به مبدأ اول، که طرف اقوی است متفاوتند.» (کاشانی‌ها، 26:1382)

عقیده صوفیه فنا در توحید از اصول محسوب است، یعنی عارف جز «واحد» چیزی در وجود نمی‌بیند و خود را هم در بین نمی‌بیند و موجودات با همه کثرت و تنوع چون

## 132 فصل نامه علمی پژوهشی «عرفانیات در ادب فارسی»

آینه‌های متعدد هستند که یک چیز واحد حقیقی یعنی خدا در همه آن‌ها جلوه‌گر است.  
(غنی، 71:2536)

قیصر امین پور شاعر معاصر وحدت وجود را با مثالی ارزنده بیان نموده است که داد از توحید می‌زند:

چرا بر «یکی» حکم «کثرت» کنیم بیایید تمرين وحدت کنیم	مگر موج دریا ز دریا جداست پراکندگی حاصل کثرت است
--	---

(امین پور، 65:1388)

### 2-8- تجلی

در لغت به معنی جلوه‌گری و آشکار شدن است، در اصطلاح صوفیه تجلی نور حق بر دل صوفی است. عزالدین محمود کاشانی در مورد تجلی می‌نویسد: «مراد از تجلی، انکشاف شمس حقیقت حق است، تعالی و تقدس، از غیوم (ابرهای) صفات بشری به غیبت آن و مراد از استئثار احتجاب نور حقیقت به ظهور صفات بشری تراکم ظلمات آن.» (کاشانی، 129:1367)

قیصر امین پور نیز در شعرش خداوند متعال را در تجلی و حضور دائم در همه چیز و همه کس می‌بیند و می‌گوید:

نام تو مجنون/ نام تو بستون/ نام تو نام دیگر شیرین/ نام تو هند/ نام تو چین است/ نام تو نام دیگر لیلا/ نام تو نام دیگر سلماست/ نام تو نام اهرام/ نام تو باغ های معلق/ نام تو فتح قیصر و کسری است... / (امین پور، 43:1388)

و تجلی نور حق بر کلماتش را این‌گونه لطیف بیان می‌کند:  
تا نور تو تابید به طور کلماتم موسای تکلم شده‌ام در خودم امشب  
(امین پور، 57:1388)

### 2-9- لزوم وجود پیر و دلیل راه

اصول تعلیمی مکتب عرفان دو گروه هستند: گروه اول که ولی، شیخ، مرشد، پیر، دلیل، پیشوا و... نامیده می‌شوند؛ کسانی که راه کمال را طی کرده‌اند و به سر منزل مقصود رسیده‌اند. گروه دوم مرید، سالک، صوفی، رهرو و... نام گرفته‌اند؛ کسانی که در ابتدای راه

اندیشه‌های عارفانه در شعر قیصر امین‌پور (133(123-137)

هستند و نیاز به هدایت و راهنمایی دارند. «در اصل مرید به بازسازی خود و مراد به بازسازی دیگران می‌پردازد.» (استعلامی، 111:1353)

قیصر امین پور مریدی است که خضر، پیر راهش است:

خرس است در طریق طلب رهنمای ما  
از خار راه و ظلمت وادی غمین مباش (امین پور، 80:1363)

قیصر امین‌پور، در غزل حسن ختم خویش به پیر رهنمای شهادت (امام خمینی قدس‌الله) اشاره می‌کند:

شفا دهد دل و جان را هزار جان جوان را  
به یک اشارت خود پیر رهنمای شهادت (همان: 102).

## 2-10- زندگی و مرگ

بی‌اعتباری و بی‌ارزشی عارفان نسبت به دنیا و حیات دنیوی بر کسی پوشیده نیست.  
«عرفا حیات مادی را در مقایسه با حیات معنوی ناچیز می‌شمارند. حیات مادی با تمام اوصاف و شرایط آن بی‌مقدار و محدود است، یعنی در این حیات آگاهی، لذت، سعادت، آزادی، قدرت و همهٔ کمالات دیگر ناقص و نا تمام‌اند. توجه به بی‌اعتباری دنیا نیازمند معرفتی برتر از حوزهٔ ادراکات ظاهری است.» (یشربی، 396:1374)

قیصر امین‌پور شاعر معاصر، با بیان سادهٔ خویش و به دور از هر گونهٔ پیرایهٔ بی‌اعتباری دنیا را این‌گونه ترسیم می‌کند:

ما را اگر که وسوسه در سر ز بودن است  
خاموش می‌شویم و فراموش می‌شویم  
بگذار زاهدانه و بگذر، ز بودن است  
در این سرای کهنه، از این دست هر چه هست (امین پور، 96:1363)

امین پور قفس را نمادی از دنیا می‌داند:  
بیا به تجربه در آسمان پری بزنیم  
تمام حجم قفس را شناختیم بس است (همان: 122)

هوای در قفس خواندن ندارد  
دگر این دل سر ماندن ندارد  
(امین پور، 72:1374)

#### 134 فصل نامه علمی پژوهشی «عرفانیات در ادب فارسی»

همچنین در بیان ناپایداری دنیا تعبیر سقف ترک خورده را به کار می‌برد؛ دنیایی که سایه‌ای از عالم حقیقت و معنویت است:

بی‌حوصله و خسته و افسرده نشستیم  
در سایه این سقف ترک خورده نشستیم  
(امین پور، 1388:87)

همچنین ناپایداری زندگی دنیوی را در خطاب قراردادن مرگ این‌گونه به تصویر می‌کشد:

ما/ در تمام عمر تو را در نمی‌یابیم/ اما / تو/ ناگهان/ همه را در می‌یابی!  
(امین پور، 1387:58)

در باره سفر ابدی و ترک دنیای دون این‌گونه می‌سراید:  
ای خوشا خروشیدن، جاودانه جوشیدن همچو رود نا آرام زین کرانه کوچیدن  
(امین پور، 1363:105)

#### نتیجه گیری

حاصل کلام آنکه اندیشه‌های عرفانی قیصر امین پور شاعر معاصر، ناظر بر آگاهی وی بر مضامین عرفانی است. همچنین در بیان اندیشه‌های عرفانی خویش، از دیدگاه فکری و مشرب عرفانی خاصی پیروی نکرده است و در سلک گروهی خاصی قرار نمی‌گیرد، در تعدادی از ابیات با محتوای عرفانی تلمیحی به مولانا و حافظ داشته است. مفاهیم اساسی و بنیادی عرفان از جمله موضوع عشق، تقابل عقل و عشق، خودشناسی و ترک خودبینی، ترک تعلقات دنیایی و بی‌اعتباری دنیا که از اصول اساسی عرفان است در شعرش بازتاب داشته است و شور و شوق عرفانی در اشعارش موج می‌زند.

کتاب‌نامه

قرآن کریم

- آریا، غلامعلی. 1375. **کلیاتی در مبانی عرفان و تصوف**. چاپ اول. تهران: موسسه فرهنگی و انتشاراتی پایا
- استعلامی، محمد. 1353. «تربیت در مکتب عرفان و رابطه آن با روانشناسی». **دانشگاه ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران**. شماره 88
- امین‌پور، قیصر. 1388. **دستور زبان عشق**. چاپ نهم. تهران: انتشارات مروارید
- 1388. **آینه‌های ناگهانی**. چاپ پانزدهم. تهران: نشر افق
- 1387. **گلها همه آفتاب‌گردانند**. چاپ دهم. تهران: انتشارات مروارید
- 1374. **تنفس صبح**. گزیده دو دفتر تنفس صبح و در کوچه آفتاب چاپ دوم. تهران: انتشارات سروش
- 1363. **تنفس صبح**. چاپ اول. تهران: انتشارات حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی
- حافظ، شمس الدین محمد. 1392. **دیوان حافظ**. به کوشش: خطیب رهبر، چاپ پنجاه و دوم. تهران: انتشارات صفوی علیشاه
- رجایی بخارایی، احمد علی. 1364. **فرهنگ اشعار حافظ**. چاپ دوم. تهران: انتشارات علمی سجادی، سید ضیاءالدین. 1372. **مقدمه‌ای بر مبانی عرفان و تصوف**. چاپ اول. تهران: سمت
- شیرازی، محمدبن ابراهیم صدر الدین. 1392. **رساله سه اصل**. به تصحیح سید حسن نصر. تهران: مولی
- غنى، قاسم. 2536. **بحث در آثار و افکار و احوال حافظ بحثی در تصوف**. چاپ دوم. تهران: انتشارات زوار
- قیصری، داود. 1416. **مقدمه شرح قیصری بر فصوص الحكم**. تهران: انتشارات انورالهدی

---

136 فصل نامه علمی پژوهشی «عرفانیات در ادب فارسی»

مولوی، جلال الدین محمد. 1392. *مثنوی معنوی*، شرح کریم زمانی. دفتر اول. چاپ چهل و یکم. تهران: انتشارات اطلاعات

میهنی، محمد بن منور. 1390. *اسرار التوحید فی مقامات الشیخ ابی سعید*. مقدمه و تصحیح و تعلیقات. محمد رضا شفیعی کدکنی. چاپ دهم. تهران: آگاه

کاشانی‌ها، زهرا. 1382. *صہبای عرفان*. چاپ اول. تهران: نشر رامین

کاشانی، عزال الدین محمود. 1368. *مصابح الهدایه و مفتاح الکفایه*. به تصحیح: جلال الدین همایی، چاپ سوم. تهران: موسسه نشر هما

نجم‌رازی، ابوبکر عبدالله. 1383. *مرصاد العباد من المبداء الى المعاد*. به اهتمام محمد امین ریاحی. چاپ دهم. نشر کتبیه. انتشارات علمی فرهنگی

یشربی، یحیی. 1374. *عرفان نظری*. تحقیقی در سیر تکاملی و اصول و مسائل تصوف. چاپ دوم. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی

### The Holy Quran

Aria, Gholamal I, 1375, *General in the basics of mysticism and Sufism*, First Edition, Tehran: Paya cultural and publishing institute.

Inquiry,Mohammad, 1353 , *Education in the school of mysticism and its relationship with psychology*, University of Literature and Humanities University of Tehran, Number 88.

Aminpour,Qaisar, 1388,*Dastore zaban eshgh*, Ninth edition, Tehran: MorvaridePublishers.

-----,1388 *Ayeneh hay nagahany*, Fifth edition ,Tehran: OfoghPublishing

-----, 1387, *Golha hameh aftab gardanand*, Tenth edition ,Tehran: :morvaride publishing,

-----, 1374, *Tanafos sobh*, Choice of two breathing offices, Sobhe va dar khocheh aftab, second edition, Tehran:

-----, 1363, *Tanafos sobhe*, First edition, Tehran: Islamic Arts Propaganda Arts Publishing House

Hafez, Shamsol-Din,Mohammad, 1392 ,*Poetry Collection* an effort: Dr.Khatib rahbar Fifty-second printing, Tehran: Safi Alisha Publications.

Rajaii Bokharaii,Ahmadali, 1364 , *Hafez poetry culture*, second Edition, Tehran: ElmiPublishers.

- Sajadi,Saiyedziaol-Din, 1372, **Introduction to the Basics of Gnosticism and Sufism**, First edition, Tehran, Publishers Samt.
- Shirazi,Mohammedebn Ebrahim Sadredine,(1392), **Resaleh 3 asl**, To correct Sayyid Hassan Nasr, Tehran: Mooli
- Ali,Ghasem, 2536, **Discussion in the works and thoughts of Hafez Discussion in Sufism**, Second Edition, Tehran: Publishers Zovar.
- Qaisari, Davoode, 1416, **Introduction to the description of Qaisiri on Fusus al-Hikm**, Tehran: Publishers Norolahoda.
- Molavi, Jalal al-Din Mohammad, 1392, **Masnavieh Manavi**, Description of the Karim Zamani,Daftar Aval, Forty First Edition, Tehran: Publishers Atelaat.
- Mihani, Mohammedebn Monavar, 1390, **Asrare al-tohid fi maghamateh Shaikh Abo Saied Abo Al-Khair**, Introduction and Corrections, Mohammadreza Shafie Kadkani, tenth edition, Publishers Agah.
- Kashani, Zahra, 1382, **Sahbay Erfan**, first edition, Tehran, Ramin Publishing
- Kashani, Ezoddin Mahmoud, 1386, **Mesbah Al-Hedayat va Mefteh Al-kefayat**, Correction: Professor Jalal al-Din Homaei, 3rd Edition, Tehran: Homa Publication Institute.
- Najm Razi, Abu Bakr Abdullah, 1383, **Mersad Al-Ebad men Al-Mabda 'Al-Mā'ad**, under the direction of Mohammad Amin Riahi, Tenth edition, Katibeh Publishing, Scientific Cultural Publishing.
- Yasrebi, Yahya , 1374, **Erfan Nazari, An Investigation into the Evolution and Principles and Issues of Sufism**, Second Edition, Qom: Islamic Propagation Office Publishing.